

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رنجبر شماره: ۱۵۵

۱۸ اپریل ۲۰۱۸

## وظایف کمونیستها وحدت وتشکیلات است

خیالات واهی را باید به دور افکند و مردم را برای مبارزه ای سخت، با بغرنجی نا شناخته ها، با حساب دخالتگری های ابر قدرت ها و نیروهای ارتجاعی منطقه، با خود فروشان داخلی نمایندگان طبقات ستمگر واستثمارگر و نظام های سابق، آماده ساخت. خاور میانه چندین دهه است که در تلاطمی عظیم به سر می برد و مرتجعان محلی و امپریالیستها و اسرانیل نقش اساسی را در کشاندن مردم منطقه به لبه پرتگاه را به عهده دارند. از سوی دیگر به نظرمی رسد که نمایندگان کلیه احزاب و سازمان های سیاسی ایران و جهان و صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که نظام ولایت فقیه دیگر به بن بست رسیده وشاه الهی سید علی خامنه ای مجبور به تسلیم است. مهره های اصلی حاکمیت با هراس و دلهره در پی راه یابی هستند تا شاید زمان بیشتری را تا لحظه های سقوط کامل نظام بخرند. تاریخ دوران معاصر ایران حکایت از آن دارد هنگامی که شرایط جامعه برای تغییر اجتماعی پخته می شود، هنگامی که کارگران و توده های وسیع مردم بیدار می شوند و از مرز مطالبات عبور می کنند و به میدان می آیند احزاب و سازمان ها و شخصیت های طبقات استثمارگر که تا به حال دم از تغییر می زدند از انقلاب آتی هراسناک می شوند. کارگران را با برهنگان و آشوبگر می خوانند، همه چون گریه عابد شده دم از انسان دوستی و عبور مسالمت آمیز می زنند. از نبود رهبری خیزش توده ها با آب و تاب می گویند و در هر جمله خود را به رخ همان مردم می کشند و به عنوان رهبری که ژن سایه خدائی را با خود دارد و ابر قدرت ها را هم در پشت خود ردیف کرده است خود را عرضه می کنند.

در انقلاب مشروطه و در انقلاب پنجاه و هفت همین روند با توجه به ویژگی زمانه خود طی شد و تمام انقلاباتی که مردم در آنها بس جانفشانی کردند در آخر به دست مرتجعان و طبقات مالک و سرمایه دار مصادره شد.

چکار باید کرد که اینبار همان گونه اوضاع تکامل نیابد و به سود کارگران و زحمتکشان، به سود اکثریت عظیم مردم تمام شود؟ اینبار دیگر کمونیستها نمی توانند توازن قوای توطئه گری آخوند ها، و نقش مردم مذهبی را بهانه کنند. همه کارتها رو است، چهل سال است احزاب و تشکل های کمونیستی بیانیه صادر می کنند، سمینار می گذارند، تبادل نظر می کنند و ده ها رسانه برای بالا بردن آگاهی مردم سازمان داده اند. در حقیقت مبارزه این چهل ساله میان نیروهای چپ و جدال خطی بر سر چه باید کرد. امروز ما در دورانی زندگی می کنیم که در ایران وظائف بدیل انقلابی شفاف تر از هر زمانی نمایان است. چه مسائلی در سالهای دهه پنجاه نا روشن بود و امروز روشن است.

**یکم:** در جبهه جهانی کمونیستی انشعابی عظیم رخ داده بود و جنبش را از پائین تا بالا به جدائی از هم کشیده بود. رهبری حزب توده در رأس آن کیانوری با پشتیبانی احزاب رویزیونیستی به ویژه حزب کمونیست شوروی خط امامی از کار در آمده بود و وظیفه اصلی اش را مبارزه با بقیه احزاب چپ و کمونیست گذاشته بود و در این زمینه تا حد همکاری اطلاعاتی با خط امامی ها پیش رفته بود.

**دوم:** جنبش چریک های فدائی که توانسته بود پایه توده ئی نسبتاً وسیعی را در میان جوانان انقلابی به دست آورد، در برابر حملات ایدئولوژیک رویزیونیستها و رفرمیستهای حزب توده از هم پاشیده شد و این خود یکی از ضربه های جبران ناپذیری بود که به جنبش تازه پا گرفته چریک ها وارد ساخت.

**سوم:** جریانات چپ دیگر از جمله طرفداران اندیشه مائو بر اثر انحرافات خطی در ارزیابی از بورژوازی حاکمیت با تمام مبارزه ای ایدئولوژیک درستی که علیه دو جریان بالا پیش بردند اما نتوانستند به بدیل راستین انقلابی تبدیل شوند.

آسمان جنبش انقلابی جهان و ایران دیگر همچون دو دهه پنجاه و شصت گرد آلوده و آغشته به ریزگردهای انشعاب بزرگ جهانی نیست. کمونیست های ایران پس از سرکوب جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی با به خاک سپردن بهترین رفقای خود، خون ها را پاک کردند، دست به جمع بندی زدند و امروز با این که هنوز نتوانسته اند تکامل یکی شده مستحکمی را در میان تمرکزات کارگری به وجود آورند اما با درایت تراز گذشته عمل می کنند و در باره اساسی ترین مسائل انقلاب کنونی ایران توافق دارند.

دیگر نه مرکز انقلاب جهانی این و آنی موجود است و نه آن شیفتگی وابستگی به یکی از گرایشات جهانی. امروز دیگر ایسم ها از خطبه افتاده است و گرایش عمومی چپ به همان نام واقعی و مناسبتر به علم رهائی پرولتاریاست کمونیسم علمی.

اکثریت بر دوران تاریخی کنونی که انقلابات کارگری در دستور کمونیست ها است صحه می گذارند. و براساس این تحلیل صف دوستان و دشمنان انقلاب را بدرستی به عکس گذشته ترسیم می کنند.

اکثریت بر اهمیت وحدت کمونیست ها در یک حزب یکی شده ای با پایه های استوار کارگری باور دارند اکثریت بر سمت جنبش کارگری، تلاش برای ایجاد سازمان سراسری کارگری با فشاری می کنند.

اکثریت برای انقلاب کردن درک کرده اند باید اکثریت عظیم مردم را در وسیعترین شکلش بسیج و متشکل کرد. با توجه به نکات بالا می توان گفت در مقایسه با سالهای پنجاه جنبش کنونی کمونیستی ایران هم وحدت نظری بیشتر است و هم بدیل طبقاتی شفافتر. حال می رسیم به نکته مهمی که باید با دقت باید مورد بررسی قرار گیرد. برای نظرم که جنبش انقلابی و کمونیستی ایران دیگر بحران تئوریک و آشفتگی های دهه های قبل را پشت سر گذاشته و اساسی ترین مسائل انقلاب را در این سال های پر از مبارزه تئوریک و ایدئولوژیک پشت سر گذاشته است. امروز آنچه کمتر دارد وظایف عملی است. خیزش عظیم توده ئی دیمه [جدی] ۹۶ کاملاً این ضعف کمونیستی را بر ملا کرد. امروز بار دیگر گفته مشهور لاهوتی به شعار روز و یک وظیفه عملی تبدیل شده است: **وحدت و تشکیلات.**

کمونیست ها هستند، زیاد هم هستند، در داخل و خارج هم هستند وظیفه یکی کردن آنهاست کارگران وتوده های وسیع مردم در مبارزه اند اعتصابات دائمی شده اند، موج پس از موج بر می خیزد وظیفه متشکل کردن است.

دیلیم